



حافظ
گر آدم به کوی تو چندان غریب نیست
چون من در آن دیار هزاران غریب هست

صفحه از: علیرضا بهرامی

صفحه آخر

■ همشهری آنلاین: www.hamshahronline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

■ صاحب امتیاز:
مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ مدیر دبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه:
شهرام فرهنگي
■ معاونان سردبیر:
علی عمادی، شاهین امین
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهیور

■ سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین راجلو
■ شهرنگار:
■ مدیر: پروانه بهرام پورزاد
■ دبیر: مریم باقریور
■ اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ مدیر: مریم موسی پور
■ تماشگر:
■ مدیر: امیر محمد یعقوب پور
■ دبیر: لیلی خرسند
■ گزارش:
■ مدیر: قهرمیه طباطبایی

■ سرزمین من:
■ مدیر: سیده زهرا عباسی
■ دبیر: زهرا رفیعی
■ تدرستی:
■ مدیر: جواد نصرتی
■ دبیر: مریم سرخوش
■ سرخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد عفری
■ دانسته‌ها:
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا حاجی

■ سر دبیر آنلاین:
■ اسماعیل سلطنت پور
■ معاونان آنلاین:
■ مجتبی صادقی،
■ کامران یازجی، حامد فوقانی
■ مدیر فضای مجازی:
■ زهرا سادات بهشتی
■ مدیر بخش زند:
■ امیرحسین محمد دوست
■ مدیر تولید تلویزیون:
■ الهه سادات بهشتی

دور دنیا

رقص بادبادک‌ها



جشنواره سالانه بادبادک‌های غول پیکر برلین، چند روز پیش در محوطه فرودگاه سابق «تمپل‌هوف» برگزار شد و آسمان پایتخت آلمان را به صحنه‌ای رنگارنگ و خیال‌انگیز از بادبادک‌ها تبدیل کرد. این رویداد که یکی از بزرگ‌ترین جشنواره‌های بادبادک در اروپا محسوب می‌شود، با حضور هزاران بازدیدکننده از سراسر جهان برپا شد و جلوه‌ای از هنر، مهارت و خلاقیت را به نمایش گذاشت.

دهه‌ها تیم حرفه‌ای و آماتور از کشورهای مختلف، بادبادک‌های عظیم‌الجثه خود را به شکل حیوانات، شخصیت‌های کارتون و اشکال هندسی به پرواز درآوردند. از جمله دیدنی‌ترین طرح‌ها می‌توان به اختاپوس غول‌پیکر با بازوهای متحرک، اژدهای قرمز رنگ و شخصیت محبوب باب اسفنجی اشاره کرد که در ارتفاع صدها متری رقصی خیال‌انگیز داشتند. شرایط آب‌وهوایی امسال با وزش باد ملایم و مداوم، امکان پرواز بادبادک‌هایی با وزن بیش از ۱۰۰ کیلوگرم را فراهم کرد. در کنار نمایش‌های هوایی، کارگاه‌های آموزشی برای کودکان، غرفه‌های صنایع دستی و فروش غذا، فضایی خانوادگی و شاد ایجاد کرده بود. این جشنواره تا غروب ادامه داشت و با نورپردازی شبانه بادبادک‌ها، جلوه‌ای سحرآمیز به آسمان بخشید.



دیر روزنامه

پاکسازی کوهستان



جمع آوری زباله‌ها از دامنه‌های کوه‌های تهران، موضوعی است که به‌نظر می‌رسد از سال‌ها پیش مورد توجه مدیران شهری و گروه‌های مردم‌نهاد علاقه‌مند به محیط‌زیست بوده است. در صفحه اول روزنامه ۳۰ سال پیش همشهری که در تاریخ ۸ مهر ۱۳۷۴ منتشر شد، گزارشی محیط‌زیستی از این حرکت سازگار با محیط‌زیست به چشم می‌آید. در این گزارش آمده است که هم‌زمان با روز جهانی پاکسازی کوه‌ها، علاقه‌مندان به محیط‌زیست و طبیعت با همکاری شهرداری منطقه یک آن روزهای تهران، زباله‌های به‌جامانده در دامنه کوه‌های شمال تهران را پاکسازی کردند تا کوهستان‌های تهران زیباتر شوند.

دستانی که پراز صدا شدند

به بهانه ۳۰ سپتامبر برابر ۸ مهر که به روز جهانی ناشنویان نامگذاری شده است



سیدسروش طباطبایی پور | روزنامه‌نگار | دنیای بی‌صدایی، دنیای سکوت؛ دنیایی که فقط در آن می‌توانی ببینی، ببویی و احساس کنی و نشنیدن در آن ممنوع است! اما ناشنویان، بخشی از شما هستند که با وجود چالش‌های ارتباطی، می‌توانند در عرصه‌های گوناگون علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی خودی نشان دهند و بدرخشند. چالش شنوایی، البته دیگر احساس‌های این گروه از جامعه را تقویت کرده است و از همین رو ناشنویان، تیزبین و باهوشند و با دیگر حواس پنجگانه خود، ارتباط بیشتری با طبیعت برقرار می‌کنند، اما با وجود پیشرفت فناوری و افزایش آگاهی عمومی، همچنان بی‌مهری به این گروه ارزشمند در جهان فراگیر است و شاید نامگذاری چنین روزی به‌عنوان روز جهانی ناشنویان برای یادآوری همین بی‌توجهی نیست، برای یادآوری احترام به حقوق ناشنویان و فراهم کردن امکانات برابر و برقراری عدالت اجتماعی برای همه انسان‌ها. در اینجا و به بهانه این روز، گذری بر تاریخ ناشنویان تهران می‌اندازیم.

۱ سرشماری ناشنویان در تهران قدیم

اولین سرشماری علمی نفوس و مسکن تهران در سال ۱۳۱۱ خورشیدی انجام شد که براساس آن جمعیت تهران با حساب اهالی داخل و خارج خندق، ۳۱۰ هزار و ۲۹ نفر بود. در آن جدول، آمار کسانی که ناقص‌العضو بودند ذکر شده که تعداد ناشنویان تهرانی در همان سال ۲۷ نفر اعلام شد که حدود ۰/۰۰۸ درصد جمعیت را شامل می‌شدند. البته این در حالی است که در آن روزگار بسیاری خودشان را به‌عنوان ناشنوا معرفی نمی‌کردند. علاوه بر آن، بسیاری کم‌شنوا بودند و چون این اتفاق برایشان به مرور رخ داده بود، تصور می‌کردند شکل معمول زندگی آنگونه‌ای است که آنها در حال تجربه‌اش هستند. ناشنویان در آن روزگار هم چند علت داشت: اول بیماری ابله، دوم ناشنوایی مادرزادی و سومین علت آن‌ها عفونت‌های گوش بود. اما در حضورشان هرچه می‌خواستند می‌گفتند و وقتی همان حرف‌ها را از زبان فالگیرها

دلیل سبلی خوردن از بزرگ‌ترها به‌خصوص پدرها و معلم‌ها بودا مواردی هم بابت دعوا و ضربه‌های سخت به گوش بر اثر حوادث رخ می‌داد.

مشاغل ناشنویان در روزگار ماضی

شرایط آن روزگار تهران به‌گونه‌ای بود که هیچ ارکان یا فردی از ناشنویان حمایت نمی‌کرد. حتی بسیاری تصور می‌کردند ناشنویان مثل مریضی ویا واکیر دارد و مسری است و از دست ناشنویان فرار می‌کردند. به همین دلیل بیشتر ناپسندیان یا ناشنویان مجبور می‌شدند گداپی کنند. البته برخی هم شهادانی بودند که خودشان را به ناشنوایی می‌زدند و از این نقص ار تراق می‌کردند. مثلاً برخی فالگیرها و پیشگوهای تهرانی، وانمود می‌کردند که ناشنوا هستند و چون مراجعان ساده‌دلشان فکر می‌کردند آنها نمی‌شنوند، بی‌برادر حضورشان هرچه می‌خواستند می‌گفتند و وقتی همان حرف‌ها را از زبان فالگیرها می‌شنیدند، شگفت‌زده می‌شدند و به آنها پول خوبی می‌دادند.



اولین مدرسه ناشنویان در تهران

جبار سنگرزاده باهمان جبار باغچه‌بان، کودکی سختی داشت و در دوران جوانی، به منازل می‌رفت و به‌چه‌ها درس می‌داد و در برخی روزنامه‌ها هم فعال بود. او پس از نجات از قطعی و بیماری و جنگ در آن سال‌ها، در مدرسه‌ای در مرند به‌عنوان آموزگار مشغول به کار شد و در سال ۱۳۰۳ خورشیدی، نخستین کودک‌کستان و مدرسه را به نام باغچه اطفال تأسیس کرد. در میان تو آموزش، چند کودک ناشنوا هم حضور داشتند که جبار به آنها آموزش می‌داد و همین موضوع جرقه تأسیس مدرسه‌ای برای ناشنویان در تبریز شد. باغچه‌بان در سال ۱۳۱۲ خورشیدی به تهران آمد و کودک‌کستان باغچه اطفال و مدرسه لال‌ها را در کوچه‌ای در اول خیابان آقا شیخ هادی تهران راه انداخت. برای اداره مدرسه، فرزندان جبار هم به او کمک می‌کردند، یکی از آنها نهمینه باغچه‌بان بود که چندی پیش او هم که زندگی خود را وقف کودکان ایران به‌خصوص ناشنویان کرده بود، درگذشت.

آگهی ثبت‌نام

اولین آگهی ثبت‌نام ناشنویان در مدرسه جبار باغچه‌بان در حوالی خیابان شیخ‌هادی تهران در ۱۶ اسفند سال ۱۳۱۳ در روزنامه اطلاعات منتشر شد. طبق این آگهی، مدرسه از حمایت وزارت معارف و اوقاف خبر داده بود و برای ثبت‌نام کودکان ناشنوی ۱۲ تا ۱۵ ساله به‌صورت شبانه‌روزی، شهریه ماهانه ۲۰ تومان و برای تحصیل روزانه، مبلغ ۱۰ تومان را در نظر گرفته بود. در پایان این آگهی هم از مردم ایران خواسته شده بود که اگر فرزندی کر و لال در خانواده دارند، حتماً نام و نام خانوادگی، سن و آدرس کامل فرزند خود را به این مدرسه به‌صورت مکتوب اعلام کنند تا سرشماری دقیقی از ناشنویان ایران به دست آید.



مناسبت جهانی

در میان افراد دارای معلولیت، ناشنویان و کم‌شنویان اکثریت را دارند و طبق اعلام سازمان جهانی بهداشت، حدود ۵ درصد جمعیت جهان را ناشنویان و کم‌شنویان تشکیل می‌دهند. برای اولین‌بار در سال ۱۹۵۱ میلادی به‌منظور حمایت و رسیدگی به امور این گروه اقلیت که در اکثریتند، مؤسسه‌ای جهانی به‌همت دکتر شرایر در رم ایتالیا تأسیس شد و به‌مناسبت سالروز درگذشت این بزرگمرد در ۳۰ سپتامبر سال ۱۹۵۷ و برای حمایت از حقوق ناشنویان و گسترش فرهنگ ارتباط با آنها، این روز را روز جهانی ناشنویان نامیدند. در ایران نیز از سال ۱۳۸۰ شمسی و به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی، روز هشتم مهر را روز ناشنویان می‌نامند.

کاشت حلزون شنوایی

ناشنویان جهان بیش از ۴۰ سال است که با کاشت پروتز حلزون شنوایی در بخش داخلی گوش، می‌توانند سکوت دنیای خود را بشنوند و از نتایج شگفت‌انگیز این عمل جراحی بهره‌مند شوند. در ایران نیز از سال ۱۳۷۰ عمل کاشت حلزون شنوایی در بیمارستان‌های تهران و برخی شهرستان‌ها انجام می‌شود. البته چون فرایند شنوایی‌ماجرای بسیار پیچیده‌ای است و از همان بدو تولد رخ می‌دهد، پیشنهاد پزشکان آن است که عمل کاشت حلزون شنوایی در دوران کودکی انجام شود. کودکی که عمل کاشت حلزون انجام می‌دهد، باید تا سال‌ها از کمک‌های توانبخشی در حوزه شنیداری و گفتاری بهره‌مند شود تا بتواند نزدیک به دنیای واقعی بشنود و به‌خوبی سخن بگوید. این کودکان می‌توانند در مدارس عادی ثبت‌نام کنند و در آینده به بالاترین سطح از مدارج علمی دست یابند. به‌گفته رئیس هیأت‌امانی صرفه‌جویی ارزی که بزرگ‌ترین حامی کاشت حلزون شنوایی در ایران است، بیش از ۲۰ هزار نفر در ایران تا آخر سال گذشته، عمل کاشت حلزون انجام داده‌اند.



هشتگ

سمفونی آرامش



در آشفته‌بازار شبکه‌های اجتماعی که پر از اخبار، تحلیل‌ها و جنجال‌های روزمره است، گاهی یک سؤال ساده مثل پنجره‌ای رو به دنیای خاطرات و آرامش باز می‌شود. به‌تازگی کاربری در ایکس پر سید: «آرامش بخش‌ترین صدای طبیعت از نظر شما چیست؟» و پاسخ خودش را نیز اضافه کرد: «صدای جیرجیر کردن سکوت شب».

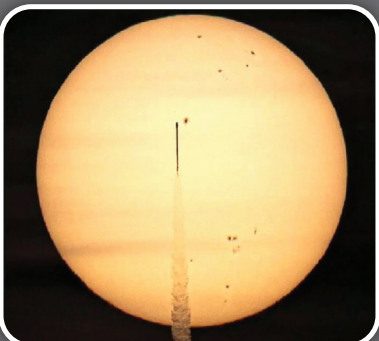
این سؤال ساده، کلیدی بود برای باز کردن قفل گنجینه‌ای از خاطرات شنیداری کاربران. گویی هر کس برای لحظه‌ای از دنیای دیجیتال فاصله گرفت و به گوشه‌ای از حافظه‌اش پناه برد که در آن، طبیعت ملودی محبوبش را می‌نواخت. پاسخ‌ها سیلی از نوستالژی و حس خوب را روانه کرد. برای یکی، اوج آرامش در صدای نهم باران روی شیروانی حلبی خلاصه می‌شد؛ ملودی‌ای که حس امنیت و پناه‌گرفتن در خانه‌ای گرم را زنده می‌کند. دیگری به صدای باستانی و گرم مایخش سوختن چوب در آتش اشاره کرد. عده‌ای هم آرامش را در نچوا و حرکت آب یافته بودند؛ از زمزمه یک جوی کوچک که به‌گفته یک کاربر «لذتش از رودخانه و دریا خیلی بیشتر است» تا خروش پر خاخره رودخانه جاده چالوس.

این سمفونی طبیعت با آواز گنجشک‌ها در نخستین روشنمایی صبح که نویدبخش آغازی دوباره است، ادامه پیدا می‌کرد و در شب‌های تابستان به همسرایی قورباغه‌ها در بیشه‌ها و مرداب‌های سرسبز شمال می‌رسید و البته چه کسی می‌تواند موسیقی خش‌خش برگ‌های خشک پاییزی را زیر قدم‌هایش فراموش کند؟ صدایی که خود پاییز است و قصه‌ای از گذر عمر را روایت می‌کند. شاید دلیل محبوبیت این آواها، پیوند عمیق و فراموش‌شده ما با طبیعت و خاطراتی است که با آنها گره خورده‌اند. در دنیای پرشتاب امروز، این صداها پناهگاهی شنیداری برای فرار از اضطراب و بازگشت به اصالت و خودی‌مان هستند.

این گفت‌وگوی مجازی یسارآوری می‌کند که آرامش گاهی شنیدنی است؛ کافی است لحظه‌ای مکث کنیم و گوش‌هایمان را به طبیعت بسپاریم. حالا شما بگویید، پاسخ شما به این پرسش چیست؟ آرامش بخش‌ترین صدای طبیعت برای شما کدام است؟

عکس خانه

عکس یادگاری موشک
با خورشید



نه، این یک صحنه از فیلم‌های علمی-تخیلی نیست! این یک تصویر واقعی و نفسگیر است که در یک‌هزارم ثانیه، درست در زمان و مکان مناسب گرفته شده. عکاس در اورلاندوی فلوریدا، دوربین خود را با تلسکوپ قدرتمند، به سمت خورشید نشانه رفت تا لحظه عبور موشک «فالکون ۹» مقابل آن را شکار کند. اما این موشک در تصویر روز ناسا، فقط برای یک عکس یادگاری از آنجا عبور نمی‌کرد. داخل فالکون ۹، سه ماهواره بسیار مهم قرار داشتند که یک مأموریت حیاتی را آغاز کردند: سفر به فضا برای زیرنظر گرفتن خورشید.

این ماهواره‌ها که متعلق به ناسا و سازمان ملی ایقائوسی و جوی آمریکا هستند، مثل یک ایستگاه هواشناسی پیشرفته برای فضا عمل می‌کنند. آنها قرار است از فاصله ۵ میلیون کیلومتری، خورشید را ۲۴ ساعته تماشا کنند تا ما را از «توفان‌های خورشیدی» باخبر کنند؛ توفان‌هایی که می‌توانند روی ماهواره‌ها، GPS و حتی شبکه‌های برق روی زمین تأثیر بگذارند. جالب‌تر اینکه خود خورشید هم در این عکس یک باز یگرو اصلی است. آن لکه‌های تیره که روی صورت خورشید می‌بینید، دقیقاً همان مناطقی هستند که این توفان‌ها از آنجا شروع می‌شوند.